

ماهنامه هنرهای معاصر
فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵، شماره ۶ و ۷
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
HONAR AGAH
CONTEMPORARY ART MAGAZINE

هنر آگه



اعتراض؟! - ده هنرمند نوظهور در نمایشگاه آمروری نیویورک ۲۰۱۶ - نقد سالانه‌ی هنر شهری بهارستان
نمایشگاه آدریان ویلارزخاس در تورین ایتالیا - مروری بر زیست و دوره‌ی کاری فریده لاشایی - نمایشگاه آثار
ناتمام در موزه مت بروئر - نگاهی متفاوت بر هنر قاجار - گفتگو با سوئسی ها

هنرمند ، گالری دار و خریدار سوار یک قایق هستند.

گفتگوی هدی امین و فرید امین الاسلام با
Franz & Heidi Leupi (مدیران گالری AB سوئیس)،
Peter Fischer (مدیر سابق موزه Paul Kle و کیوریتور مستقل)،
Arturo Sutter (مجموعه دار)



عکس از بابک حقی

از راست به چپ: Arturo Sutter - Franz Leupi - Heidi Leupi - Peter Fischer

اینکه از لحاظ جهانی چه حرفی برای گفتن دارند با تمام آثار هنری دیگر نقاط جهان مقایسه می‌کنم. آرتیست‌ها را در سطح جهان با هم مقایسه می‌کنم تا ببینم آثارشان در چه سطحی از «کیفیت» است. کیفیت برای من اهمیت دارد.

امین‌الاسلام: به هر حال، نگاه شما به هنر خاورمیانه با نگاه به هنر دیگر نقاط جهان فرق دارد. چون مسائل سیاسی و اجتماعی در این منطقه‌ی بحران‌زده خیلی جذاب‌تر از مفاهیم فلسفی و زیبایی‌شناسی است. آیا اثر هنری با «کیفیت» ولی بدون مفاهیم سیاسی و اجتماعی برای شما مهم هستند؟ آیا آثاری که جنبه‌ی «گزوتیک» این منطقه را نشان می‌دهد برای شما جالب‌تر و مهم‌تر نیست؟

Peter Fischer: نمی‌شود این‌ها را از هم جدا کرد. البته این مسائلی را که شما گفتید ممکن است بر کار هنرمندان مسلط باشد. به‌خصوص در آثار هنرمندان مقیم خارج از ایران که می‌توانند لحن انتقادی تندتری داشته باشند. به هر حال، هنرمند کسی‌ست که دارد چیزی را خلق می‌کند و برایش این مسائل مهم است که در اثرش انعکاس می‌یابد.

Arturo Sutter: محتوای یک اثر هنری برای من مهم نیست. من درباره‌ی محتوا قضاوت نمی‌کنم. من وظیفه‌ام این است که ببینم هنرمند حرفی را که می‌خواهد بزند فکری کرده و با وسواس هست یا خیر. بدون ترس حرفش را می‌زند یا با ترس و احتیاط بیش از حد، آدم باهوشی است؟ می‌تواند از کار خودش دفاع کند؟ کارش را کامل انجام می‌دهد؟ به‌عنوان هنرمند تا لبه‌ی مرز می‌رود یا خیر؟ در مورد کارهایی کلیشه‌ای مانند نقاشی خط باید بگویم که باز هم اهمیتی ندارد که فضای سیاسی و اجتماعی در آن انعکاس دارد یا ندارد، یا فقط درگیر مسائل شخصی خودش است. شاید شما از داخل ایران فکر کنید انتخاب‌های ما کلیشه‌ای باشد. باز هم اهمیتی ندارد. تنها چیزی که برای ما اهمیت دارد این است که هنرمند کارش را بی‌عیب و نقص و باکیفیت انجام دهد. این برای ما خیلی مهم است. اتفاقاً وقتی کسی دارد کار کلیشه‌ای انجام می‌دهد کارش باید خیلی بهتر از دیگران باشد تا بتواند با دیگران رقابت کند. به‌عنوان مثال شهریار احمدی کسی‌ست که در کارش از اشعار قدیمی الهام می‌گیرد ولی آن‌قدر این کار را کامل و بی‌عیب و نقص انجام می‌دهد که بیننده را جذب می‌کند یا فرهاد مشیری کالیگرافی می‌کند اما با یک دیدگاه جدید، و ده سال جلوتر از کسانی‌ست که الان دارند این کار را انجام می‌دهند و این است که قضیه برای ما جالب می‌شود.

امین‌الاسلام: آیا در بازدید از آتلیه‌های هنری هنرمندان، یک سبک معین ایرانی را درک کردید؟ یا خیر، هنرمندان ایرانی با سبک‌های مختلف هنری راه خودشان را می‌روند.

Franz Leupi: من که اصرار دارم که هر کسی سبک خاص خودش را داشته باشد چون به‌لحاظ بین‌المللی خیلی مهم است که هر هنرمندی سبک منحصر به فرد خودش را داشته باشد.

Peter Fischer: البته من در کارها یک ریشه‌ی فرهنگی مشترک می‌بینم ولی این‌طور نیست که بگویم همه یک سبک مشابه به‌نام سبک ایرانی دارند.

Arturo Sutter: البته در کتاب‌ها و کاتالوگ‌ها مناطق جغرافیایی را تقسیم‌بندی می‌کنند مانند ایران، افغانستان، آذربایجان، پاکستان و چند کشور دیگر که به‌دلیل شباهت‌های فرهنگی در آثار هنرمندان است.

امین‌الاسلام: اولین سؤال درباره‌ی علت مسافرت به ایران است، آیا برای بازدید کلی و دوره‌ای به ایران آمده‌اید و یا به‌خاطر یک مناسبت خاص مانند برپایی یک نمایشگاه هنری در گالری AB سوئیس؟ و در این میان بازدید از آتلیه‌ی هنرمندان خاصی را از قبل برنامه‌ریزی کرده‌اید؟

Franz Leupi: گالری AB به‌مدت ده سال است که با حمایت نهادها و بخش خصوصی روی هنر معاصر ایران تمرکز کرده است و برای همین طی این ده سال سفرهای متعددی را به ایران داشته‌ایم و در هر سفری سعی کرده‌ایم آرتیست‌های جدیدی را شناسایی و آثار هنری آن‌ها را ببینیم.

Heidi Leupi: ما همیشه به‌دنبال این بودیم که از نظر فرهنگی پلی بین غرب و شرق ایجاد کنیم و در این ارتباط، با همکاری مؤسسات و نهادهای خصوصی، اقدام به برگزاری رزیدنسی برای هنرمندان مختلف می‌کنیم.

Peter Fischer: فکر می‌کنم جذابیت این سفر این است که هر کدام بر اساس دیدگاه‌ها و نظرات متفاوت و در نتیجه برای اهداف مختلف به ایران آمده‌ایم.

هدی امین: نحوه‌ی انتخاب هنرمندان چگونه است؟ چون مطمئناً از قبل با چند گالری و یا چند هنرمند هماهنگ کرده‌اید که از آتلیه‌ها و استودیوها بازدید کنید. چه راهکاری را انتخاب کرده‌اند تا مطابق با یک سلیقه معین شده عمل نکنند و طبق نظر و سلیقه‌ی خودشان عمل کنند؟

Franz Leupi: ما با خود هنرمندان ارتباط برقرار می‌کنیم. چون می‌دانیم آن‌ها نماینده‌ی هنر معاصر ایران و خاورمیانه هستند و با آثارشان هنر معاصر را ارائه می‌کنند. اما قبل از اینکه بخواهیم آن‌ها را انتخاب کنیم به استودیو آن‌ها می‌رویم و با نحوه‌ی کارشان و آثارشان آشنا می‌شویم و از رویکردی که دارند آگاه می‌شویم. در حقیقت، از شبکه‌ی ارتباطی آرتیست‌ها با یکدیگر استفاده می‌کنیم و با آن‌ها آشنا می‌شویم. چون قابل‌اعتمادتر است و این را هم بگویم در تمام دنیا همین‌گونه است و بین ایران و دیگر نقاط جهان در این مورد تفاوتی وجود ندارد.

امین‌الاسلام: در ادامه‌ی سؤال خانم هدی امین باید بگویم که دو گرایش عمده در هنر ایران وجود دارد. هنرمندانی که در مارکت حضور دارند و دیده می‌شوند و کارهایشان در حراجی‌ها به‌فروش می‌رسد و در نقطه‌ی مقابل، هنرمندانی هستند که پیشرو و آوانگارد هستند و علاقه‌ای به حضور در مارکت هنر ندارند. می‌خواهم بدانم تا چه اندازه از هنرمندان نوع دوم در ایران شناخت دارند و روی آن‌ها سرمایه‌گذاری مادی و معنوی می‌کنند؟

Arturo Sutter: به‌نظر من این تقسیم‌بندی درست نیست. برای من «کیفیت» مطرح است. هنرمندی که کارش را با کیفیت انجام می‌دهد و آرتیست دیگری که کارش بی‌کیفیت است. وقتی به‌دنبال کار هنری هستیم، «کیفیت» حرف اول را می‌زند. چون کیفیت الهام‌دهنده و جذب‌کننده‌ی مخاطب است. «کیفیت» معرفی‌کننده‌ی خود کار است ولی برای کسی که از دیدگاه مارکت به هنر نگاه می‌کند شهرت یک هنرمند مهم است و این فرق ما با کسانی‌ست که فقط از درون مارکت به هنر نگاه می‌کنند.

وقتی به یک اثر هنری نگاه می‌کنم، ایرانی بودن یا نبودن خالقی برای من اهمیتی ندارد. من آثار هنری را بر اساس

این قضیه نه برای ما، که برای خود هنرمندان بیشتر است. برای همین، صفتی که برای گالری ما قائل هستند «فرای مرزها»ست، چون توانستیم با تعداد زیادی از هنرمندان ارتباط برقرار کنیم و به درک متقابلی برسیم.

Arturo Sutter: اما از نگاه یک مجموعه‌دار قضیه طور دیگری است. خرید یک اثر هنری «امری دلی»ست و باید خریدار با اثر احساس نزدیکی بکند. چون چیزی را خریداری می‌کنم و وارد زندگی‌ام می‌کنم. وقتی می‌خواهم چیزی مثل اثر هنری را وارد زندگی‌ام بکنم سؤالاتی دارم و به دنبال جواب می‌گردم. اگر فروشنده‌ی آن چیز نتواند جواب سؤالات من را بدهد چگونه آن چیز را وارد زندگی‌ام بکنم!

به‌نظر شخصی من، اساسی‌ترین بخش «مجموعه‌داری» آن گفتگو است. من علاقه‌ای به پر کردن دیوار خانه‌ام برای دکور ندارم. بین یک مجموعه‌دار و یک مشتری معمولی فرق زیادی است. این مشکل در خاورمیانه وجود دارد. انگار این دو فرقی با هم ندارند.

امین‌الاسلام: این یک تعریف ایده‌آلیستی است. یعنی در اروپا همه‌ی مشتری‌ها مانند مجموعه‌دارهای آگاه اثر هنری را خریداری می‌کنند؟

Arturo Sutter: در همه جای جهان متأسفانه این‌گونه است. فرق بین یک اثر هنری که گفتگو ایجاد می‌کند و یک کار دکوراتیو درک نمی‌شود. مشکل اینجاست که دل و ذهن با هم خیلی متفاوت هستند. اما برای یک مجموعه‌دار واقعی و ایده‌آل هیچ اثری بدون فیلتر شدن از ذهن وارد قلب نمی‌شود.

هدی امین: در مورد کلیشه‌ها صحبت شد. خیلی از هنرمندان از این کلیشه‌ها استفاده می‌کنند و آثار کپی خلق می‌کنند و به‌نوعی تقلید می‌کنند. شما چگونه به این مسئله نگاه می‌کنید و اصلاً کپی بودن و اریجینال بودن اثر هنری برای شما مهم است؟

Peter Fischer: یک اثر هنری تکامل یک اثر هنری دیگر است که از قبل وجود داشته است. مثلاً در شرق دور افتخار شاگردان هنر این بود که از کار استادشان کپی محض کنند. البته شاید در زمان فعلی کمی اغراق‌آمیز باشد ولی در نهایت برای ما خیلی مهم است که بدانیم یک اثر کپی‌ست یا نه. یک کپی زمانی ارزش دارد که از اصل اثر فراتر برود.

Arturo Sutter: ممکن است یک هنرمند برای راضی نگاه داشتن گالری‌دار دست به کپی بزند ولی خریدار آگاه متوجه خواهد شد. البته من با کپی کردن موافق هستم به شرطی که از اصل اثر فراتر برود. البته من به فضای فعلی هنر ایران و حراجی‌ها کاملاً آگاه هستم. در مورد هنرمندان که به هر علتی کپی‌کاری می‌کنند باید بگویم خیلی زود فراموش می‌شوند. گالری‌دار در حقیقت مسئول رشد هنرمند است. در حقیقت رابطه‌ی هنرمند و گالری‌دار مثل بازی بوکس باید باشد. هر چقدر حریف هنرمند قوی‌تر باشد به نفع هنرمند خواهد بود. هر دو باید یکدیگر را از فضای امن و راحت و ایمن خارج کنند تا هر دو در زمینه‌ی هنری رشد کند. در نهایت، دغدغه‌ی همه (گالری‌دار و هنرمند) مسائل مالی‌ست ولی وقتی ما با آرتیست‌های خودمان حرف می‌زنیم درباره‌ی سالهای آینده حرف می‌زنیم. هنرمند و گالری‌دار و خریدار سوار یک قایق هستند.

امین‌الاسلام: از آتلیه‌های کدام‌یک از هنرمندان بازدید کردید و نظرتان درباره‌ی آن‌ها چه بود؟

Franz Leupi: نمی‌توانم بگویم چون به‌نظرم غیرمنصفانه است. در سفرهای قبلی و این سفر با گروه بزرگی از هنرمندان خوب ملاقات کردیم، همان‌طور که با تعدادی آرتیست ملاقات کردیم که کارشان خیلی خوب نبود. چندین گالری فعال در ایران وجود دارد که در طول یک سال ۲۰۰۰ هزار نمایشگاه برپا می‌کنند. چرا این کار را می‌کنند؟ آیا این تعداد هنرمند وجود دارد که کارشان خوب است؟ نتیجه‌اش چه چیزی است؟ آیا بازاری برای این همه نمایشگاه وجود دارد؟ برای من خیلی عجیب است. بله، هنرمندان خوب دیدیم ولی گالری خوب ندیدیم.

امین‌الاسلام: آیا به جوابی هم رسیدید؟

Franz Leupi: بله، به‌خاطر اینکه بیشتر حالت تفریحی و سرگرم‌کننده دارد و البته اتفاق اجتماعی خوبی‌ست ولی ربطی به هنر ندارد. وقتی برای یک هنرمند ایرانی می‌خواهم نمایشگاه بگذارم بیست‌نفر مهمان را دعوت می‌کنم. هنرمندان از من می‌پرسند فقط بیست‌نفر؟ و من پاسخ می‌دهم که مهم این است که بتوان با این بیست‌نفر یک شبکه‌ی اجتماعی-هنری خوب و باطمینان در اروپا تشکیل دهیم و احتیاجی به سیاهی‌لشکر نیست.

امین‌الاسلام: بازدید از آتلیه‌ی یک هنرمند و نحوه‌ی کار او می‌تواند خیلی مهم باشد و از آن مهم‌تر که هنرمند بتواند درباره‌ی کارش و سبک خودش صحبت کند. آیا این دیالوگ بین شما و هنرمند برقرار شد یا آنجا هم تبدیل به یک مهمانی می‌شود؟

Franz Leupi: هدف اصلی همین است. هدف از این مسافرت و بازدید از آتلیه‌ها و استودیوها گفتگو با هنرمندان و جواب این پرسش است که آن‌ها چه تصویری از خود دارند؟ جالبی